



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



مقاله پژوهشی

جرم جعل در قانون ثبت اسناد و املاک و ارزیابی رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال آن

محسن رجبی^۱، غلامحسین مسعود^{۲*}، محسن شکرچی زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرم‌انگاری یکی از ابزارها و مکانیزم‌های سیاست جنایی هر کشور در برخورد با بزهکاری و انحرافات اجتماعی می‌باشد. در موارد جرائمی که مصادیق زیادی در جامعه دارند، مانند جرم جعل، چنانچه جرم‌انگاری بر اساس سیاستی متناسب، معقول، منطقی و مبانی مستحکم صورت نگیرد نه فقط پیامدهای مطلوب نخواهد داشت، بلکه خود سبب ایجاد گرفتاری‌ها و معضلات اجتماعی زیادی خواهد گردید.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: سیاست جنایی تقنینی ایران فرآیند یکسان و یکنواختی ندارد و دچار نوعی بی‌نظمی، انحراف و فقدان انسجام می‌باشد که این بزرگ‌ترین و در عین حال مهم‌ترین انتقادی است که می‌توان نسبت به این موضوع در ایران عنوان نمود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در مجموع ارزیابی سیاست تقنینی موجود در این حیطه نشان می‌دهد که ضابطه-مندی منسجمی در جرم‌انگاری جرم جعل وجود ندارد و اهداف و ارزش‌های مقنن روشن نیست و علاوه بر این، ابهاماتی در رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم جعل وجود دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶

واژگان کلیدی:

جعل

ثبت اسناد و املاک

سیاست جنایی

جرم‌انگاری

نظام حقوقی ایران

* نویسنده مسؤول:

غلامحسین مسعود

آدرس پستی: نجف آباد،
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد،
گروه حقوق.

کد پستی: ۴۳۱۳۱-۸۵۱۴۱

تلفن: ۴۲۲۹۲۹۲۹-۳۱

پست الکترونیک:

gh.masoud@iaun.ac.ir

۱. مقدمه

اولین و با اهمیت ترین قاعده در احتساب عمل خاصی به عنوان جرم، درج این موضوع در قوانین و مقررات موضوعه می‌باشد. جرم‌انگاری یکی از ابزارها و مکانیزم‌های سیاست جنایی هر کشور در برخورد با بزهکاری و انحرافات اجتماعی می‌باشد که چنانچه بر اساس سیاستی متناسب، معقول، منطقی و مبانی مستحکم صورت نگیرد نه فقط پیامدهای مطلوب نخواهد داشت، بلکه خود سبب ایجاد گرفتاری‌ها و معضلات اجتماعی زیادی خواهد گردید.

سیاست جنایی تقنینی هسته اصلی در سیاست جنایی هر کشوری می‌باشد و در برابر جرم جعل مأموریت جرم‌انگاری، ارعاب، تنبیه و ناتوان‌سازی مجرمین در برابر پدیده‌های مجرمانه مرتبط با جعل را بر عهده دارد. به واقع این جرم، یکی از موضوعات مهم حقوق جزای اختصاصی است و نظر به اثرات و نتیجه‌های سوء و زیان‌بار آن که سبب سلب اعتماد مردم نسبت به ارزش و اعتبار اسناد و نوشته‌ها و سایر موارد است که موضوع این جرم قرار می‌گیرد، بنابراین ارتکاب آن از گذشته‌های دور تحت عنوان یکی از اعمال مجرمانه سالب آسایش عمومی در قوانین کیفری مستوجب مجازات می‌باشد. جرم جعل سبب ورود خسارت‌های غیرقابل جبرانی به روابط مالی مردم با یکدیگر و مردم با دولت می‌شود و حتی به مبانی و اساس نیز لطمه وارد می‌سازند. در حال حاضر جرم‌انگاری در قالب‌های مختلف این جرم، نیازمند به وجود سیاست جنایی تقنینی دارای انسجام، هوشمندانه و فاقد عیب و نواقص را بیش از پیش نشان می‌دهد.

با وجود سوابق قانون‌گذاری طولانی جرم جعل در ایران، در عمل مواجهه با چالش‌هایی می‌شویم که در عمده‌ترین موارد ناشی از عدم رعایت بایسته‌های قانون‌گذاری در این جرم می‌باشد. مقصود از تقنین، وضع کردن قانون است. فرآیند قانون‌گذاری از دو مرحله قانون‌گذاری و قانون‌نگاری تشکیل می‌شود. مرحله قانون‌گذاری شامل بهترین و مناسب‌ترین قاعده می‌باشد که مضمون قانون را در برمی‌گیرد و مرحله قانون‌نگاری به معنای یافتن بهترین قالب برای محتوای مدنظر

قانون‌گذار که می‌توان از آن به ادبیات نگارش قانون تعبیر نمود و هر مرحله نیز شامل بایدها، معیارها و استانداردهایی است. قانون بیانگر اندیشه‌ها و تدابیر، روش‌ها، اصل‌ها و مبانی سیاست جنایی کشور است که باید آن را بر اساس تمایلات در برخورد با جرم و انحرافات اجتماعی دانست. به همین دلیل جرم‌انگاری رفتارهایی که وسعت اثرات مخرب آن‌ها بسیار فراوان است نظیر جرم جعل در یک سیاست تقنینی لازم است مبتنی بر اصول و قاعده‌های درست جرم‌انگاری باشد و از سویی این جرم‌انگاری قادر باشد بر ارتکاب جرم اثرات بازدارنده داشته باشد نه این که بر لیست جرایم افزایش دهد و یا زمانی برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه در وضعیت خلاءهای قانونی باشد. در مورد سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم جعل باید گفت؛ سیاست جنایی مذکور به معنای تدابیر و چاره‌اندیشی مقنن در خصوص جرم یا به عبارتی سلیقه تعیین قانون‌گذار در باب جرائم و مجازات‌ها که مقنن تحت تأثیر دیدگاه‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفی، ایدئولوژی و... با طرح چارچوب‌های قانونی در یک بازه زمانی روشن، مقدمات ویژه‌ای را مقابل آن قرار می‌دهد؛ در پژوهش حاضر پرسش اصلی که به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که اساساً سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرم جعل در چهارچوب قانون ثبت اسناد و املاک چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که، با وجود اینکه این جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و در قسمت تعزیرات به عنوان قانون اصلی موارد متعددی را به خود اختصاص داده است اما در سایر قوانین هم به جرم‌انگاری این جرم پرداخته شده است. پراکندگی مواد و عدم رعایت بایسته‌های تقنین سبب شده است که در مجموع این جرم وضعیت مناسبی را از این جهت نداشته باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، سیاست جنایی تقنینی ایران فرآیند یکسان و یکنواختی ندارد و دچار نوعی بی‌نظمی، انحراف و فقدان انسجام می‌باشد که این بزرگترین و در عین حال مهم‌ترین انتقادی است که می‌توان نسبت به این موضوع در ایران عنوان نمود. البته تغییراتی مانند دگرگونی‌های ارزش‌های قبل، تغییرات در ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی و مواردی مانند آن از برخی از نتایج تأثیرگذار بر سیاست جنایی بوده است. از مسائل مهم که منجر به ناکارآمدی‌های زیادی شده است تعارض در قانون‌گذاری است که ابعاد آن شامل تعدد و کثرت مراجع قانون‌گذاری که این تعدد گستردگی و تشتت قوانین را در پی دارد و منجر به ایجاد شدن بحران می‌گردد که نتیجه آن اسباب سوءاستفاده و استفاده ابزاری از قوانین را مهیا می‌سازد و حقوق افراد را دچار خطر می‌سازد که بهتر است چاره‌اندیشی در این موضوع صورت گیرد.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

رجبی و شکرچی‌زاده مقاله‌ای را در سال ۱۳۹۹ با عنوان "پیشگیری کیفری و غیرکیفری از جرایم و تخلفات سردفتران اسناد رسمی" تحریر نموده‌اند که در این مقاله به تأثیرگذاری دفاتر اسناد رسمی در افزایش امنیت اقتصادی، اجتماعی و قضایی اشاره شده است و انواع پیشگیری از جرایم مذکور که شامل پیشگیری کیفری و غیرکیفری است در اینجا مورد بررسی قرار گرفته است (۱).

رجبی و مسعود مقاله‌ای را در سال ۱۳۹۹ با عنوان "نقش الکترونیکی شدن فرآیند ثبت در کاهش و یا پیشگیری از وقوع

جرایم ثبتی" نگارش نموده‌اند و در آن عنوان شده است که ثبت اسناد و املاک در حال حاضر نقش تأثیرگذارتری نسبت به سابق در حقوق افراد و تثبیت آن دارد. مقاله پیش رو در صدد بررسی نقش الکترونیکی شدن فرآیند ثبت در کاهش و یا پیشگیری از وقوع جرایم ثبتی است و هدف از انجام آن روشن‌تر نمودن و تبیین و بررسی دقیق نقش ثبت الکترونیک در موضوعات مذکور است که با روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به نگارش آن پرداخته شده است و به موجب آن روشن شد که ثبت الکترونیک از تأثیرات زیادی برخوردار است و در کنار آن باید در جهت آشناسازی بخش‌های قابل توجهی از افراد با موضوع الکترونیکی شدن فرآیند ثبت تلاش نمود تا بتوان هرچه سریع‌تر به اهداف مدنظر به ویژه کاهش و یا پیشگیری از وقوع جرایم ثبتی رسید (۲).

رجبی مقاله‌ای با عنوان "سیاست جنایی در قبال جعل در دفاتر اسناد رسمی" در سال ۱۳۹۸ دارد که به موجب آن عنوان نموده است که اسناد رسمی که توسط مسئول دفاتر اسناد و کارکنان آن تنظیم و به ثبت می‌رسند. چنانچه عمداً از سوی این قبیل اشخاص مورد جعل قرار گیرند و یا برخلاف مقررات قانونی تنظیم شوند و به ثبت برسند. چنین اشخاصی نیز مشمول مقررات ماده ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک کشور شده و به عنوان جاعل در اسناد رسمی به مجازات جعل در اسناد رسمی محکوم خواهند شد. بنابراین در اجراء مجازات‌های مقرر در قوانین موجود، سیاست جنایی تقنینی ایران در وقوع جرم جعل توسط دفاتر اسناد رسمی عامل پیشگیری موثری نخواهد داشت. پس نبود قانون کارآمد امکان اعمال تخلف و فرار از مجازات را خواهد داشت لیکن قانون‌گذار مکلف است این‌گونه مجازات‌ها را تغییر داده و متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی مجازات سنگین‌تری را اعمال نماید. زیرا جعل اسناد رسمی از جمله جرایمی است که مستقیم و غیرمستقیم به جامعه و افراد جامعه لطمه خواهد زد (۳).

حسینی و جعفریان در مقاله خود تحت عنوان "بررسی تحلیلی جرم جعل در قوانین ثبتی" که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است عنوان داشته‌اند که، برای تأمین و تضمین روابط حقوقی

می‌شود. جرم جعل سبب ورود خسارت‌های غیرقابل جبرانی به روابط مالی مردم با یکدیگر و مردم با دولت می‌شود و حتی به مسبانی و اساس نیز لطمه وارد می‌سازند. در حال حاضر جرم‌انگاری در قالب‌های مختلف این جرم، نیازمند به وجود سیاست جنایی تقنینی دارای انسجام، هوشمندانه و فاقد عیب و نواقص را بیش از پیش نشان می‌دهد.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

از نظر محدودیت‌های پژوهش حاضر ذکر دو نکته حائز اهمیت است: اول اینکه، جرم جعل در چهارچوب قانون ثبت اسناد و املاک مدنظر قرار دارد؛ به تعبیری تمرکز این تحقیق بر بررسی جرم جعل در قانون مجازات اسلامی نیست. دوم اینکه، هدف اصلی در پژوهش حاضر بررسی ارکان جرم جعل نمی‌باشد بلکه هدف تحلیل رویکرد سیاست جنایی آن هم در ارتباط با حوزه تقنین (و نه اجرا) است.

۵-۵. جعل در قانون ثبت اسناد و املاک

در مباحث ذیل با استناد به ماده ۱۰۰ قانون اسناد و املاک و با توجه به اهمیت این جرم و این که ارتکاب آن بالاترین آمار در میان جرایم سردفتران اسناد رسمی را دارد به بررسی آنها به صورت مختصر پرداخته شده است.

۵-۵-۱. ثبت کردن سند مجعوله

ثبت اسناد که سابقه‌ای دیرینه دارد، بر عهده سردفتران اسناد رسمی است. البته ثبت هر سندی منوط به احراز شرایطی است که از آن جمله می‌توان به احراز صلاحیت تنظیم‌کننده سند، اهلیت متعاملین، قصد و رضای طرفین، مشروعیت معامله اشاره کرد. برای تحقق جرم ثبت کردن اسناد مجعوله احراز دو شرط ضرورت دارد اول آن که عمل ثبت کردن باید بر روی سند رسمی انجام شود و دوم این که آن سند مجعول باشد و چنانچه این شرایط وجود داشته باشد، سردفتر بر اساس نص ماده ۱۰۰ قانون ثبت جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌شود (۴).

افراد و اعتماد آنها به اسناد رسمی، قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت اسناد مواردی را که اصطلاحاً جعل نیستند به عنوان جعل در اسناد رسمی آورده و مرتکبین آنها را جاعل در اسناد رسمی دانسته است و صادرکننده گواهی خلاف واقع را در حکم جاعل در اسناد رسمی می‌داند. در این تحقیق، مواردی را که قانون‌گذار در قانون ثبت به عنوان جعل و در حکم جعل شناخته و همچنین استثنائات قانونی راجع به مرور اسناد رسمی بر اساس اسناد عادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همانطور که در قسمت قبل مشاهده شد، اغلب پژوهش‌های صورت گرفته، بر بررسی جرم جعل، و ارکان آن با محوریت جرائم سردفتران صورت گرفته است؛ در حالی که پژوهش حاضر بر سیاست جنایی تقنینی در زمینه جرم جعل در قانون ثبت متمرکز می‌باشد.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به این که جعل و سیاست جنایی دامنه گسترده‌ای دارد، لذا بررسی این موارد در حیطه اعمال سردفتران و اجزای ثبت که یکی از مهم‌ترین افراد در حیطه اسناد رسمی به حساب می‌آیند، از اهمیت زیادی برخوردار است. علاوه بر این به دلیل ورود فناوری‌های جدید در این دفاتر و عدم بازدارندگی سیاست جنایی تقنینی و اجرایی در قبال جعل توسط سردفتران و اجزای ثبت؛ نگارش این پژوهش از ضرورت زیادی برخوردار است تا بتوان سیاست جنایی جامع را در این حیطه عنوان نمود و در کنار آن تأثیر استفاده از این فناوری‌ها را در کاهش و یا پیشگیری از وقوع این‌گونه جرایم مورد سنجش و قضاوت قرار دهیم. به بیان ساده‌تر، سیاست جنایی تقنینی هسته اصلی در سیاست جنایی هر کشوری می‌باشد و در برابر جرم جعل مأموریت جرم‌انگاری، ارعاب، تنبیه و ناتوان‌سازی مجرمین در برابر پدیده‌های مجرمانه مرتبط با جعل را بر عهده دارد. به واقع این جرم سبب سلب اعتماد مردم نسبت به ارزش و اعتبار اسناد و نوشته‌ها و سایر موارد

این بند در ماده ۱۰۰ قانون اسناد و املاک قاعده عامی را عنوان می‌نماید که شامل برخی موارد به عنوان مثال بندهای دو و سه و چهار ماده ۱۰۰ نیز می‌شود. به طور مثال امضاء دروغ، که شخص سندی را امضاء می‌کند که به نام وی نیست. در سالیان اخیر تمامی نامه‌ها از طریق شبکه رایانه و کامپیوتر به دفترخانه‌ها ارسال می‌گردد یا به شکل سی دی برای دفاتر فرستاده می‌شود؛ زیرا در اجرای ثبت الکترونیک قرار است متن اسناد تنظیمی در رایانه ذخیره گردد یا اسناد تصویربرداری یا به اصطلاح «اسکن» شوند. دیگر نیاز به وارد کردن آنها به دفتر و ثبت نمودن آنها نیست. زمانی که ثبت سند حذف شود، جرم ثبت سند مجعول نیز حذف می‌گردد و از حقوق ثبت جرم‌زدایی می‌شود. سردفتر یا کارمند ثبت که بر خلاف مفاد ماده ۱۰۰ قانون ثبت مبادرت به ثبت اسناد مجعول نماید با کیفر حبس یا جزای نقدی روبروست (۵).

۵-۴-۵. ثبت عمدی تاریخ به صورت مقدم یا موخر

این بند در ماده ۱۰۰ قانون اسناد و املاک قاعده عامی را عنوان می‌نماید که شامل برخی موارد به عنوان مثال بندهای دو و سه و چهار ماده ۱۰۰ نیز می‌شود. به طور مثال امضاء دروغ، که شخص سندی را امضاء می‌کند که به نام وی نیست. در سالیان اخیر تمامی نامه‌ها از طریق شبکه رایانه و کامپیوتر به دفترخانه‌ها ارسال می‌گردد یا به شکل سی دی برای دفاتر فرستاده می‌شود؛ زیرا در اجرای ثبت الکترونیک قرار است متن اسناد تنظیمی در رایانه ذخیره گردد یا اسناد تصویربرداری یا به اصطلاح «اسکن» شوند. دیگر نیاز به وارد کردن آنها به دفتر و ثبت نمودن آنها نیست. زمانی که ثبت سند حذف شود، جرم ثبت سند مجعول نیز حذف می‌گردد و از حقوق ثبت جرم‌زدایی می‌شود. سردفتر یا کارمند ثبت که بر خلاف مفاد ماده ۱۰۰ قانون ثبت مبادرت به ثبت اسناد مجعول نماید با کیفر حبس یا جزای نقدی روبروست (۵).

۵-۲-۵. ثبت اسناد بدون حضور افراد لازم

یکی از شرایط اساسی معامله، حضور متعاملین در زمان تنظیم و ثبت سند است. سردفتر باید با حضور افرادی که بر حسب قانون حضورشان لازم گردیده است، اقدام به ثبت اسناد بنماید و باید برای وی مسلم و ثابت شود که این افراد دارای همان هویتی هستند که اظهار می‌دارند و تا از طریق احراز هویت یقین حاصل نگردد، نباید اقدام به ثبت کند (۶). این بند در حقیقت به «استبدال شخص» اشاره دارد؛ یعنی بدل نمودن اصحاب سند. به این شکل که اشخاص اصیل یا نمایندگان قانونی آنها در دفترخانه حضور نداشته باشند و بدل آنها به دفترخانه بیایند و دفتر ثبت را امضا کنند که در این صورت امضای آنها در دفتر نوعی جعل مفادی است.

۵-۳-۵. ثبت اسناد به نام غیرمتعاملین

سند باید به نام متعاملین ثبت گردد. در غیر این حالت و ثبت آن به نام غیرمتعاملین جرم محقق شده است. البته این وضعیت تنها در خصوص سند مصداق دارد و اگر حقیقت در موارد دیگری مانند نوشته مقلوب گردد یا تغییری در آن واقع شود تحت شمول این جرم قرار نخواهد گرفت. شایان ذکر

۵-۵-۵. معدوم کردن دفاتر یا خارج کردن ثبت اسناد

از اعتبار

یکی دیگر از جرایمی که سردفتر اسناد رسمی امکان دارد انجام دهد معدوم کردن دفاتر یا خارج کردن ثبت اسناد از اعتبار است. سردفتران وظیفه دارند دفاتر خود را با دقت نگهداری کنند. ضمناً در خصوص خارج کردن ثبت اسناد از اعتبار هم می‌توان به ماده ۶۸ قانون ثبت اشاره کرد که به واقع عنصر قانونی این جرم محسوب می‌شود و به موجب آن هرگاه سندی به واسطه تقصیر یا غفلت مسئول دفتر از اعتبار افتاده باشد، این مسئول باید علاوه بر مجازات‌های تعیین شده از عهده کلیه خسارات وارده نیز برآید.

۵-۵-۶. ثبت اسناد با آگاهی از عدم مالکیت

بر اساس ماده ۱۰۰ قانون ثبت و قسمت ششم این ماده، ثبت اسناد با آگاهی از عدم مالکیت سبب جاعل تلقی شدن سردفتر است و وی به مجازات‌های تعیین شده برای جعل و تزویر محکوم خواهد شد. جرم ثبت اسناد با آگاهی از عدم مالکیت در زمره جرائم عمدی است که در آن نیازی به احراز سوءنیت خاص نیست. البته در این جرم، داشتن اراده ارتکاب و قصد مجرمانه یا خطا جزایی ضرورت دارد تا مسئولیت کیفری بر شخص مرتکب مترتب گردد.

۵-۵-۷. ثبت سند بدون اعتبار

در قسمت هفتم ماده ۱۰۰ نیز به جاعل محسوب شدن سردفتر در صورت ثبت سند بدون اعتبار اشاره شده است. در پایان بحث جعل شایان ذکر است قانون‌گذار در غالب موارد وقتی از جرم جعل مباحثی را عنوان کرده است، استفاده از سند مجعول را نیز همگام با آن مورد توجه قرار داده است و مجازات جاعل را برای این جرم هم تعیین کرده است. از میان شقوق هفت‌گانه مندرج در این ماده تنها شق پنجم ماده مزبور از مصادیق جعل مادی به شمار می‌رود و شقوق شش‌گانه دیگر از مصادیق جعل معنوی در اسناد رسمی محسوب می‌گردد.

۵-۶. مبانی سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم‌انگاری**جعل**

مبانی نظری جرم‌انگاری جرم جعل در سیاست جنایی تقنینی در سه حوزه است که در مباحث ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۵-۶-۱. نقش توصیفی

یکی دیگر از کارکردهای سیاست جنایی تقنینی برای جرم‌انگاری جرایمی مانند جعل، رسالت توصیفی آن است. وقتی که در قانون عناوین مجرمانه مورد توصیف قرار می‌گیرند به این امر جرم‌انگاری گفته می‌شود. این موضوع در حقیقت توصیفی است که قانون‌گذار نسبت به ارزش و هنجاری که

دارای اهمیت است در سطح جامعه انجام می‌دهد. لذا ارزش و هنجاری که موضوعات مختلف فرهنگی، اقتصادی و دینی را مورد ارزش قرار داده است را به عنوان یک ارزش با اهمیت مورد توصیف قرار می‌دهد تا از این طریق تحت حمایت قرار گیرد.

به این ترتیب حقوق کیفری اقتصادی این نقش و رسالت خود را، از طریق توضیح دادن ماهیت هر نوع تعدی به ارزش‌های اقتصادی حاکم بر جامعه، در متون جزایی عنوان می‌نماید. در نتیجه حقوق کیفری گویای ارزش‌های اقتصادی در جامعه نیز خواهد بود (۸). از همین رو سیاست جنایی تقنینی در حیطه جرایمی مانند جعل، بیانگر و توصیف‌کننده ارزش‌های اقتصادی در سطح جامعه می‌باشد. البته شایان ذکر است مجموعه نظرات گوناگون در این خصوص را می‌توان تحت دو محور مبنایی ارزش در مقابل عقلانیت و علم (دخاله مستقل ارزش در فرآیند سیاست جنایی) و ارزش در حیطه عقلانیت و علم (نفی مداخله مستقل ارزش در فرآیند سیاست‌گذاری جنایی) ملاحظه نمود.

۵-۶-۲. سیاست جنایی سرکوب‌گرانه در قبال جرم**جعل**

سیاست جنایی در جرایمی مانند جعل یکی از اصلی‌ترین مبانی و کارکردهای سیاست جنایی است. لذا نقش سرکوب‌گرانه در حقیقت همان واکنش علیه موضوع مجرمانه است که علیه این قبیل جرایم صورت می‌گیرد. در این خصوص دادگاه‌های کیفری نیز مکلف هستند تا نسبت به کسانی که نظم اقتصادی را مختل و به منافع عمومی تعرض می‌رسانند با صدور حکم مقتضی مجازات پیش‌بینی شده در قانون را برای مرتکب آن این قبیل جرایم در رأی نهایی خود مدنظر قرار داده، حکم بدهند و سپس آن را به اجرا بگذارند و به این ترتیب مهمترین هدف اختصاصی سیاست جنایی در قبال جرایم مذکور در تمامی نظامات کیفری نقش غیرقابل انکار سرکوب‌گرانه آن است که همه افراد در آن توافق نظر دارند (۹).

۵-۶-۳. نقش حمایتی سیاست جنایی در قبال جرم

جعل

یکی دیگر از کارکردهای نظری سیاست جنایی تقنینی نقش حمایتی است. به واقع با استناد به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در قوانین کیفری هر زمانی که مقنن ضرورت ارزیابی را احساس کند، آن را مورد حمایت قرار می‌دهد؛ نظیر جان، مال و... در بحث مدنظر این رساله یعنی جعل، قانون‌گذار نقش حمایتی خودش را به سوی ارزش‌های اقتصادی جامعه برده است و با واکنش علیه پدیده‌های مجرمانه در این حیطه و همچنین با ضمانت اجرای جزایی ارزش‌های مذکور را مورد حمایت قرار داده است. بر این اساس علاوه بر تلاشی که قانون‌گذار برای مقابله با یکسری از جرایم مانند جعل به عمل آورد، سعی می‌کند که نقش حمایتی خود را برای استقرار امنیت و حفظ منافع عمومی در جامعه نیز انجام دهد و برای تحقق بخشیدن به این اهداف است که هر نوع تعدی و تجاوز و ارزش‌های معتبر نیز باید با قید مجازات ممنوع و قابل تعقیب و مجازات آنان را اعلام نماید (۸). از این منظر بدون تردید نقش حمایتی سیاست جنایی در قبال جرایمی مانند جعل موجب می‌شود بستر امنیت در جامعه ایجاد شود و موجب حفظ حقوق شهروندان گردد و علاوه بر آن جایگاه مناسبی برای فعالان برقرار گردد و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی در حیطه یک امنیت اقتصادی در جامعه رشد یابد تا فعالان با امنیت و آسایش بتوانند به فعالیت‌شان ادامه دهند؛ حمایتی که چندان در سیاست جنایی ایران مورد توجه نیست.

۵-۷. معیارهای جرم‌انگاری جعل در سیاست تقنینی

ایران

معیارهای مذکور شامل معیار غیرمستقیم و معیار مستقیم است. در حیطه معیارهای غیرمستقیم باید گفت که بعضاً بر اساس معیار جغرافیایی صورت می‌گیرد که بر اساس میزان توسعه‌یافتگی شهرها میزان این نوع جرایم نیز متفاوت است. برخی مواقع نیز بر اساس معیارهای حرفه‌ای می‌باشد و هم چنین به صورت ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه که در خصوص

این موضوع نیز باید گفت مرتکبین جعل عمل خود را در برخی مواقع حاکی از زرنگی و مهارت می‌دانند در نتیجه احساس مجرمیت نمی‌نمایند. از دیگر معیارهای غیرمستقیم، معیار وسایل ارتکاب به آن است؛ چرا که در جرم‌شناسی وسایل ارتکاب جرم به دو دسته تقسیم می‌شود: جرایم حيله‌آمیز و متقلبانه و همچنین جرایم توأم با خشونت که بدون تردید جعل در زمره جرایم حيله‌آمیز و متقلبانه است و این نوع جرم مبتنی بر استفاده از نبوغ توانایی فکری و استعداد می‌باشد. اما معیارهای غیرمستقیم در حیطه جعل در سیاست جنایی تقنینی ایران شامل موارد ذیل است:

در خصوص سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جعل، سوابق موجود در متون حقوقی، اسلامی و مراجع قضایی و انتظامی از جمله ماده‌های ۵۲۳ تا ۵۵۶، ماده ۶۸۱-۶۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده‌های ۶ و ۷ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و همچنین ماده‌های ۹۵ تا ۱۰۸ نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، ماده ۲۸ قانون کارشناسان رسمی، ماده ۲۴۸ قانون تجارت، ماده ۶ قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۶۷، ماده‌های ۱۰، ۱۳ و ۱۴ قانون جرایم مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که به صورت اجمالی به جعل و مجازات آن‌ها پرداخته شده است و مجازات به نظر حاکم واگذار گردیده است و در این میان در ماده‌های ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت به صورت صریح به مجازات جعل در اسناد رسمی پرداخته شده است و هم چنین مجازات‌هایی نیز به موجب ماده ۱۲ و ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی عنوان گردیده است که در ادامه فصول به آن پرداخته می‌شود. در میان موارد مذکور باید گفت معروف‌ترین ماده در خصوص جعل شامل ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات و ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد است که در این رساله بیشتر جعل در این دو ماده و تعدادی دیگر از همین قوانین بررسی گردیده است.

از همین باب باید گفت که در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات، مقنن مقرر داشته است که: جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا

ادعا وجود واژه «معدوم نمودن» است. این واژه در ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی و در بند ۵ ماده ۱۰۰ قانون ثبت عیناً تکرار شده، ولی در ماده ۱۰۰ در باب جعل و در ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی در باب جرائم تعزیری «محو اسناد و دفاتر» آمده است.

در خصوص سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم جعل همچنین می‌توان به ماده ۱۰۳ قانون ثبت اشاره نمود که مطابق با آن هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عمداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود.

۵-۸. مراجع تقنینی در جرم‌انگاری جرم جعل

بررسی عملکرد قانون‌گذار ایران در گذشته، حکایت از آن دارد که تصویب قوانین کیفری همیشه به عنوان بهترین و ساده‌ترین راهکار مبارزه با بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی شناخته شده است (۱۰). در حقیقت آنچه جامعه را از خطرات جرایم حفاظت می‌نماید، تصویب دائمی عنوان‌های کیفری نیست بلکه از منظر بکار یا حتمی بودن کیفرها می‌باشد (۱۱). با توجه به این که نوع و میزان جواب‌ها در برابر بزه و انحراف از سوی دولت و ارکان مختلف آن تعیین و اعمال می‌گردد، سیاست جنایی حاکم بر نظام کیفری ایران به ویژه در برابر با جرایمی مانند جعل از نوع سیاست جنایی اقتدارگراست (۱۲). تعدد نهادهای قانون‌گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم‌انگاری نشان از کاستی‌هایی در حیطه سیاست جنایی ایران در برابر مفاسد اقتصادی مانند جعل دارد (۹). از جمله مراجع تقنینی در حیطه جرم جعل می‌توان به مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اشاره کرد. همچنین قانون «تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول» نیز در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب گردیده است (۱۳).

سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب. ماده ۱۰۰ قانون ثبت نیز عنوان داشته است:

هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عمداً یکی از جرم‌های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد: اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند؛ سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید؛ سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند؛ تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا موخر در دفتر ثبت کند؛ تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد؛ اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده ثبت کند؛ سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند.

این جرایم در حکم جعل محسوب می‌شوند. همچنین در خصوص بند اول شایان ذکر است که قاعده عامی را بیان می‌دارد که شامل برخی موارد به طور مثال بندهای دو و سه و چهار ماده ۱۰۰ نیز می‌گردد. در بند پنجم اهمیت کشیدن یا کندن اوراق از این دفاتر به این دلیل است که باعث از بین رفتن منابع و مراجع ثبتی می‌گردد و در صورتی که نسبت به اوراق و اسناد ثبتی ادعای جعل و تردیدی شود اصالت آن تنها از طریق همین دفاتر امکان‌پذیر است.

لازم به ذکر است که جرم مذکور با جرم موضوع ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی شباهت و همخوانی بیشتری دارد. مفهوم معدوم کردن دفاتر به مفهوم اتلاف، تخریب، محو و نابودی یک اثر نزدیک‌تر است. مفهوم جعل، بقای یک اثر و به وجود آوردن تغییراتی در آن است. تغییرات مادی یا معنوی در صورتی که متقلبانه باشد جعل تعریف می‌شود. در این ماده تغییرات مادی و معنوی در «دفاتر ثبتی» ایجاد نمی‌شود، بلکه دفاتر نابود و محو می‌شوند؛ لذا آوردن این موضوع در زیرمجموعه جرم جعل اشتباه به نظر می‌رسد. قرینه صحت

۵-۹. ارزیابی سیاست تقنینی موجود

در این قسمت به ارزیابی سیاست تقنینی موجود و بررسی عملکرد قانون‌گذار در حیطه جرم جعل پرداخته می‌شود.

۵-۹-۱. نبود ضابطه‌مندی منسجم در جرم‌انگاری جرم**جعل**

یکی از ایرادات موجود در شناخت واژگان، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبرو است. در این حیطه هنجارها و معیارات نامشخصی وجود دارد که نمونه بارز آن نبود تعریفی مشخص در باب جرم جعل است که در مباحث بالاتر به آن پرداخته شد. به واقع باید گفت در حقوق ایران قانون‌گذار در قوانین و ماده‌های قانونی گوناگون بدون اینکه معنا یا شاخصی را ارائه دهد از اصطلاحات و واژه‌ها استفاده کرده است که ابداع این کلمات الزاماً بیانگر وجود تفاوت‌های قانونی شناخته شده بین آنها نیست و در بسیاری از موارد ضوابط در این نوع تقسیم‌بندی روشن نمی‌باشد (۱۴).

۵-۹-۲. روشن نبودن اهداف و ارزش‌های مقنن

نظام اجتماعی بستر ارتباطات بین اشخاص و گروه‌ها است که طرفین این روابط متقابل همواره خواهان حفظ ارجح بودن خود بر دیگری هستند. سیر طبیعی یک نظام اجتماعی بر مبنای تلاش برای حاکم شدن منافع فرد بر دیگران است و این تلاش و کوشش طبیعی، دخالت هر نوع عامل ثالثی را برای نظم دادن به آن منتفی می‌سازد، اما با ورود دولت در این معادله بعضاً پیش می‌آید که دولت احساس نماید که باید در ارتباطات بین اشخاص و گروه‌ها نظارت داشته باشد یا این که در زمره طرفین دارای نفع به حساب می‌آید. لذا از ابزارهای حفظ نظم که به شکل انحصاری در اختیار وی قرار دارد استفاده می‌نماید اما به علت محدود شدن آزادی‌ها و حقوق اشخاص، قانون‌گذار در قدم اول از تدابیر غیرکیفری استفاده می‌نماید و حقوق کیفری را به عنوان آخرین راه مورد استفاده قرار خواهد داد. لذا دولت باید در استفاده از حقوق کیفری به عنوان راه‌حلی برای رسیدن به ارزش‌های برتر اجتماعی، این ارزش‌ها را به روشنی مشخص کرده باشد و بعد از آن اقدام به

تعیین ضمانت اجرا برای ناقضان آنها نماید. در نبود یک توجیه دارای الزام در تعیین قوانین کیفری، تمامی مجازات‌ها نقض‌کننده حقوق اشخاص خواهند بود. معیار اصلی این نظریه آن است که جرم‌انگاری این قبیل از رفتارها برای رسیدن به هدف‌ها و ارزش‌های مورد حمایت دولت ضرورت داشته باشد. به عبارتی هدف دولت باید دارای ضرورت باشد و قانون نیز باید فقط راه رسیدن باشد و به صورت دقیق برای رسیدن به آن هدف‌ها و ارزش‌ها طراحی گردیده باشد (۱۵).

در جرم‌انگاری افعالی مانند جعل، قانون‌گذار در ابتدا باید روشن نماید که قصد حمایت از کدام یک از ارزش‌ها را دارد؟ آیا هدف وی حمایت از منفعت‌های دولت است یا حمایت از مالکیت فردی یا حفاظت از پایه‌های اقتصاد اسلامی و سپس بر حسب هدف مورد نظر به تعیین مجازات بپردازد که وی را به طور مستقیم به این هدف می‌رساند. مقنن در قوانین و مقررات متعددی که عنوان شد اقدام به جرم‌انگاری جعل نموده است اما هیچگاه درصدد تعیین و تعریف آن بر نیامده است یعنی تعیین معیار و شاخصی که بر اساس آن تشخیص داده شود که رفتاری خاص در یک قانون خاص گنجانیده شود. تمام رفتارهایی که در قوانین عنوان شده در بالا جرم‌انگاری گردیدند به نوعی جعل به حساب می‌آیند اما از نظر ماهیت، موضوع جرم، میزان ضرر زیان و مواردی مانند آن با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند؛ لذا قانون‌گذار باید در هر مورد با توجه به خصوصیات هر جرم اقدام به دسته‌بندی آن در گروه‌های جداگانه نمایند. اقدام قانون‌گذار در جرم‌انگاری برخی اعمال بیشتر نوعی مهار موقتی بحران از راه قهرآمیزترین و ساده‌ترین وسیله در دسترس بوده است. نگاهی به تاریخچه قوانین جعل گویای این مسئله است که مقنن در وضع این قوانین حتی توجهی اندک به قوانین قبل از خود نداشته است. به عنوان مثال عدم تعریف جرم جعل در تمام مواقع مورد انتقاد بوده است اما همچنان در قانون مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار نگرفت.

۵-۹-۳. سیاست جنایی تقنینی و ابهام در امکان

ارتکاب جعل معنوی توسط افراد عادی

مقنن تقسیم‌بندی خاصی از این جرم به عمل نیاورده و آنچه که امروزه در کتاب‌های حقوقی بسیاری از حقوقدانان با عناوین جعل مادی و معنوی مشاهده می‌کنیم تنها برداشت‌های خاصی است که اکثریت حقوقدانان عنوان کردند. جعل معنوی با توجه به دو عنصر تغییر حقیقت در مضمون سند یا نوشته و سلامت ظاهری سند مدنظر قرار می‌گیرد و به صورت یقین از طرف کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی در حیطه انجام وظایف‌شان قابل ارتکاب می‌باشد اما در این که ملاک جدایی جعل مادی از معنوی با استناد به شرایط فوق چگونه تعیین می‌گردد معیارهای گوناگونی عنوان گردیده است. بعضی معتقدند جعل مفادی یا همان معنوی تنها در هنگام تنظیم و تحریر سند است (۱۶).

معیار دیگر تفاوت در وضعیت قلب حقیقت و طریق ارتکاب آن و معیار سوم که تعدادی به آن معتقدند عمل فیزیکی در جعل معنوی یا مفادی می‌باشد (۱۷). بر این اساس و با استناد به معیارات سه‌گانه فوق در تعریف جعل مفادی یا معنوی شاید بتوان گفت جعل معنوی، قلب حقیقت در محتوا یک سند یا نوشته یا مواردی دیگر در زمان تحریر است که به ضرر غیرواقع می‌شود و در ظاهر آن تحریف مادی صورت نگرفته است (۱۶).

عنصر قانونی این جرم در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی است که عنوان می‌دارد: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از این که موضوع یا مضمون را تغییر دهند یا گفته یا نوشته مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف نمایند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است را اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

حال سوالی که از باب این موضوع در سیاست جنایی تقنینی ایران پیش می‌آید این است که آیا می‌توان ارتکاب بزه جعل معنوی را به اشخاص عادی و غیرکارمند نیز تسری داد یا خیر؟ به طور مثال اگر در یک بنگاه معاملاتی با وجود توافق طرفین و اظهارات آنان بر مبلغ و قیمت مشخصی به عنوان ثمن مبیع؛ فرد کاتب به صورت عمدی مبلغی را کمتر یا بیشتر از مبلغ اعلامیه آنان در مبیعه‌نامه قید نماید مرتکب جرم جعل معنوی شده است. برخی در تفسیر این نوع جعل علاوه بر ماده مذکور ماده ۵۳۲ را شامل هر دو نوع جعل می‌دانند و معتقدند که سه مورد پیش‌بینی شده در این ماده یعنی ساختن مهر یا امضا، تحریف امضا یا مهر یا خطوط، الحاق کلمه‌ای به متن سند از مصادیق جعل مادی است اما مورد چهارم این ماده یعنی تغییر اسامی اشخاص که هم مشمول جعل مادی و هم معنوی است بر اساس ماده ۵۳۳، این نوع جعل از طرف اشخاص عادی هم امکان دارد (۱۸).

گروهی دیگر بر این عقیده هستند که چون اطلاق ماده ۵۳۶ قانون مذکور مقرر داشته است که «هرکس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر نماید یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد...» بنابراین هر دو نوع جعل در اسناد عادی امکان‌پذیر است مانند کسی که تنظیم و تکمیل چک را به دیگری واگذار کند و آن شخص بر خلاف نظر صاحب حساب چک را تنظیم نماید چنین فردی مرتکب جعل و تزویر معنوی شده است (۱۹). البته شایان ذکر است موضوع در این رساله انجام جعل توسط سردفتر است اما به جهت بررسی سیاست تقنینی و کامل‌تر شدن بحث این موضوعات نیز عنوان گردیده است. در نهایت به نظر می‌آید در بحث جعل معنوی باید تمام ماده‌های مربوط را با یکدیگر جمع و مد نظر قرار داد و پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با قرار دادن ماده‌های قانونی مذکور سیاست واحدی را اتخاذ نماید تا از ارائه نظرات مختلف جلوگیری گردد و البته بهتر این است که ارتکاب به جعل معنوی تنها محدود به کارکنان دولتی و عمومی دانسته نشود.

مسئله بعدی مطرح در اینجا که نوعی ابهام به حساب می‌آید عدم صراحت در بیان شرایط جرم است که در این باره باید

نمی‌گیرد و امکان بروز اشتباه برای اشخاصی که سواد خواندن و تفکیک نوشته‌های شبیه از غیرشبیه را ندارند معیار صدق عنوان جعل نوشته نیست».

جدا از اختلاف نظرهای مذکور در این باره، چیزی که صحیح به نظر می‌رسد این است که در جعل و تزویر یک نوع تقلب قرار دارد و بالطبع تقلید و شبیه‌سازی هم که در زمره فریب‌کاری است در تمامی اسناد و نوشته‌ها دارای ضرورت است و اما باید بین اسناد تفکیک قائل شد و برای اعمال فریب و به اشتباه انداختن اشخاص به نوع سند توجه گردد. به طوری که برخی اسناد مانند اسکناس که از شهرت برخوردار هستند باید شبیه‌سازی گردند و در مقابل آن اسنادی که از شهرت برخوردار نیست مانند امضاء یک کارمند معمولی دولت یا امضاء یک فرد خاصی در ذیل چک که در اینجا چون بدون شبیه‌سازی هم عمل فریب‌کاری و به اشتباه انداختن امکان‌پذیر می‌باشد، به صرف تغییر حتی بدون شبیه‌سازی جعل محقق می‌گردد. در نهایت می‌توان به این مسأله با نگاهی دیگر توجه نمود به این صورت که چون لزوم شبیه بودن در جعل در امور مشهور، سبب سوءاستفاده و فرار مجرمین می‌گردد به نحوی که برخی به بهانه عدم وجود شباهت می‌خواهند از مجازات فرار کنند، قانون‌گذار تصریح نماید که چنین شرطی لازم نمی‌باشد و جعل محقق می‌گردد اعم از این که سند مجعول شبیه باشد یا نباشد.

۵-۹-۴. مغایرت بعضی از مصداق‌های جعل با واقعیات و

رسوم جامعه

واقعیات اجتماعی نظمی را بر جامعه حاکم می‌سازد که مقابله با آن‌ها مورد قبول نیست؛ چرا که قوانین و مقرراتی که در راستای برقراری عدالت تصویب می‌گردند در اصل بر مبنای واقعیات اجتماعی یک جامعه است و چنانچه قانون‌گذار قوانینی را وضع نماید که با واقعیات و رسم‌های اجتماعی مخالف باشد آن قانون به زودی متروکه می‌شود و اجرا نیز نمی‌گردد. قانون‌های نامطلوب و مغایر با واقعیات و رسم‌های اجتماعی امکان دارد به شیوه گوناگون از طرف مخاطبان آن نادیده گرفته شود؛ زیرا گاهی از طرف مردم مورد تخلف واقع

گفت هرچند قانون‌گذار در جرم جعل به تغییرات در سند و نوشته توجه نموده است اما زمانی این سند و نوشته منشاء اثر می‌باشد که صورت و ظاهر آن حفظ گردد، به نحوی که در برخورد اول به عنوان یک سند و مدرک مورد قبول قرار گیرد. سوال در اینجا این است که آیا مشابهت و یکسانی بین سند و نوشته اصلی یا جعلی لازم است یا خیر؟ به عبارتی آیا شبیه‌سازی تحت عنوان شرط تحقق جرم دارای ضرورت است یا خیر؟ قانون‌گذار در این باره تصریحی عنوان ننموده است و از لحاظ رویه قضایی و دکترین حقوقی هم اختلاف نظر وجود دارد. بعضی با توجه به لفظ ساختن در مقرر قانونی مربوطه شبیه‌سازی را برای تقویت جرم شرط ضروری می‌دانند و بر این عقیده هستند که چنانچه سندی ساخته شود که هیچ‌گونه مشابهتی با سند اصلی نداشته باشد عنوان جعل را بر آن نمی‌توان صادق دانست (۲۰).

از طرفی نیز برخی بر این عقیده‌اند که وجود شباهت بین سند اصلی با جعلی از لحاظ عدم تصریح قانونی ضرورت ندارد و اگر شبیه‌سازی لازم بود قانون‌گذار مانند تقلب در مسکوکات آن را عنوان می‌نمود (۱۶). البته افرادی مانند دکتر میرمحمد صادقی بر این عقیده است که در اصل امکان به اشتباه انداختن اساس و پایه جرم جعل و تزویر را شکل می‌دهد نه شبیه بودن. حتی در خصوص چیزهای مشهور نظیر اسکناس هم ضابطه لازم امکان به اشتباه انداختن است یا مشتبه کردن، اما در این موارد با استناد به مشهور بودن آنها این دو ضابطه بر یکدیگر منطبق می‌گردند. به عبارت دیگر امکان به اشتباه انداختن هم منتفی می‌گردد چرا که غالب مردم با ظواهر این قبیل اسناد آشنایی دارند (۱۷).

علاوه بر این باید گفت که در رویه قضایی نیز در این خصوص رویه واحدی وجود ندارد. به عنوان نمونه در رأی مورخ ۱۳۳۶/۰۱/۳۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور عنوان می‌دارد که: «جعل و تزویر در حالتی محقق می‌شود که در نوشته یا سند، شبیه‌سازی رعایت شده و شباهتی به مقداری وجود دارد که ممکن است برای اشخاص دارای سواد خواندن در ابتدای امر منجر به بروز اشتباه گردد. نوشته عادی که شبیه‌سازی در آن رعایت نشده مصداق عنوان ساختن نوشته یا سند قرار

می‌شود و در مواردی هم با محیط خود بیگانه است که از طرف جامعه حقوقدانان و ساختار قضایی مورد چشم‌پوشی واقع می‌شود (۲۱) و در نهایت قانون متروک باقی می‌ماند.

از قوانینی که نسبت به تطابق آن‌ها با واقعیات اجتماعی و عرف حاکم بر جامعه می‌توان تردید نمود جرم‌انگاری عکس‌برداری از مدارک است. تکنولوژی عکس‌برداری و کپی از مدارک در زمره پیشرفت‌هایی است که توانسته است به بشر یاری برساند اما ظرافت و دقت دستگاه‌های چاپ و رایانه‌ای گاهی به اندازه‌ای می‌رسد که واقعا تشخیص اصل از عکس را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. به همین علت قانون‌گذار در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۵ در مباحث جعل و تزویر به این مسأله توجه داشته و با تصویب ماده ۵۳۷ قانون مرقوم عکس‌برداری از هر نوع کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و دیگر اوراق و اسناد رسمی دولتی و عمومی غیردولتی و نوشته‌های خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که سبب اشتباه با اصل گردد و ممه‌ور به مهر علامتی نباشد جعل تلقی نموده است (۱۴).

۵-۹-۵. نبود صراحت در ذکر موضوع جرم (ابهام در موارد تحت سیطره جرم جعل)

در بررسی اشکالات و ابهامات ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان مواردی را عنوان نمود که به شکل صریح در باب شمول این موارد به جعل و یا عدم آن تأکیدی نشده است. یکی از این موارد ابهام در قانون در جایی است که در نوشته‌ای غیر از سند، جعل صورت گرفته باشد. موضوع دیگر، ابهام از این لحاظ است که هرگاه نوشته یا امضای ساختگی از منظر قانون بدون اثر محسوب شود، آیا باز هم حکم به جعل امکان‌پذیر می‌شود یا خیر؛ که در این خصوص باید به قابلیت اضرار حتی به شکل بالقوه توجه شود؛ زیرا چه بسا سندی تأثیر قانونی نداشته، اما قابلیت اضرار داشته باشد.

مورد دیگر نقض قانون از این لحاظ است که صرف در اختیار داشتن سند مجعول جرم‌انگاری نشده است. در حقیقت، قانون‌گذار ما در جرم جعل دو مورد را مدنظر قرار داده است: جعل اسناد و نوشته‌ها، استفاده از این اسناد و نوشته‌ها؛ لذا قانون‌گذار ایران صرف داشتن سند مجعول را به وسیله شخصی غیر از جاعل جرم نمی‌داند. به نظر می‌آید جرم‌انگاری نگهداری سند مجعول امری درست و موجب آسان‌تر شدن مواجه شدن با جاعلان و استفاده‌کنندگان از سند مجعول باشد. البته چنانچه عمل مرتکب مشمول ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی باشد بر اساس همان ماده رفتار خواهد شد.

مسئله دیگر این است که آیا نیاز است که امضا متعلق به شخص خاصی باشد؟ یا اینکه امضا قابل انتساب به شخص موهوم هم جرم جعل را تحقق می‌دهد؟ هرچند بعضی معتقدند عبارت امضای اشخاص گویای آن است که امضای مجعول باید قابل انتساب به فرد خاصی باشد. با این وجود به نظر می‌رسد در این‌گونه موارد چیزی که مهم است قابلیت ورود ضرر به هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی و از جمله دولت است چرا که قابلیت ایراد ضرر به افراد دیگر را دارد.

این جرم، هم به صورت فعل و هم ترک فعل انجام می‌شود اما موضوع اساسی که در شرایط و وضعیت فعلی بسیار مشاهده شده است این است که اشخاص برای جلوگیری از مفقود شدن یا فرسودگی از مدرک‌های خویش در حالی که اصل آن وجود دارد مبادرت به عکس‌برداری یا تهیه کپی رنگی از آن می‌نمایند و مدت‌های زیادی از آن نگهداری می‌نمایند و حال آن که در اینجا فرد با وجود ورود خسارت و لطمه به حق اشخاص یا دولت شایسته چنین مجازات سنگینی باشد و فعل در قالب جعل و تزویر عنوان شود باید تردید نمود.

البته مسأله جالب‌تر این است که در این ماده تنها به عکس‌برداری از سندهای اصلی اشاره شده است و به عکس‌برداری از سندهای مجعول که اثرات زیان‌بار بیشتری دارد، توجهی نشده است ضمن این که ظاهر ماده همیشه این شبهه را برقرار می‌سازد که تهیه‌کنندگان مدارک به هر حال مجرم می‌باشند و به این علت برای جلوگیری از این تصورات نادرست ضمن ضرورت اصلاحات نگارشی در قسمت ممه‌ور به مهر یا علامت باشد و کلمه یا بین مهر و علامت ظاهر در

هرچند عقیده اخیر درست است زیرا رفع ابهام دارای فایده‌های زیادی است.

در مورد دیگر ابهام این نوع سیاست تقنینی در این موضوع از این جهت است که اگر مورد تحریف خلاف حقیقت نبوده و بر اساس واقعیت است آیا عمل ارتكابی باز هم جعل است؟ بعضی معتقدند قانون‌گذار در دوم خرداد ماه ۱۳۷۵ از طریق پر نمودن عبارت ناسازگار با حقیقت ذکر شده در آغاز ماده ۲۰ قانون تعزیرات به بحث‌ها و منازعاتی که در رابطه با داخل دانستن شرط خلاف حقیقت بودن مورد مجعول در شرایط تحقق جرم که سابقا در مراجع قضایی و مجامع پژوهشی و پژوهشی وجود داشته و به موضوع حقیقت اولیه و حقیقت ثانویه منجر شده بود پایان داده و لذا بر اساس این قانون چنانچه سند مجهول بر خلاف حقیقت ثانویه باشد نیز جعل محقق شده است. به نظر می‌آید عقیده اخیر بهتر است چرا که پذیرش نظر اول تعقیب بسیاری از جاعلان را غیرقابل امکان می‌سازد؛ با این وجود باید منطوق ماده صریح باشد.

مصادق دارای ابهام دیگر در این است که آیا جعل اثر انگشت نیز مشمول ماده ۵۲۳ می‌شود به نظر می‌آید جعل اثر انگشت بیشتر به جعل مهر شباهت داشته و در حکم جعل آن می‌باشد. در صورتی که این مورد را در حکم جعل مهر نداریم به کار بردن اثر انگشت دیگری مشمول ماده دیگری نمی‌شود، اما رفع ابهام بی‌تردید مفید است (۱۴).

۵-۹-۶. عدم انسجام با دیگر قوانین راجع به جرم جعل

جعل هم در قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون عام و هم در قانون خاص مدنظر قانون‌گذار واقع شده است. مقررات خاص در باب جعل، در قانون ثبت اسناد و املاک، قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مرتبط به سندهای سجلی و شناسنامه‌ای، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون تشکیل شرکت پست ایران، قانون منع خرید و فروش کوپن‌های کالاهای اساسی، قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران، قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی، قانون راجع به کارشناسان رسمی دادگستری، قانون تجارت، قانون راجع به انتقال مال غیر و... عنوان شده است. اما

به دلیل اینکه این قانون‌گذاری‌ها در زمان‌های مختلف و نهادهای گوناگون صورت گرفته دوگانگی‌هایی در این باره دیده می‌شود. این دوگانگی همواره ابهامات و چالش‌هایی را از حیث اختلاف در مجازات و مواردی مانند آن به دنبال داشته است به طور مثال در رابطه با جرم جعل اسکناس قانون‌گذار در مقاطع مختلفی اقدام به قانون‌گذاری نموده است همچنین ماده‌های ۵۲۵ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی و قانون تشدید مجازات جایگزین اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب سال ۱۳۶۸ و قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹ که دو قانون اخیرالذکر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است.

مقنن از نظر اهمیت موضوع در قانون‌های گوناگون با مجازات‌های متفاوتی که حتی بعضا شامل مجازات اعدام نیز می‌شود اقدام به جرم‌انگاری نموده است از چهار مقرر قانونی موجود، بند پنجم ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی که مجازات یک تا ده سال حبس را جهت جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی مانند بروات قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادر گردیده از سوی بانک‌ها و دیگر سندهای تعهدآور بانکی را پیش‌بینی نموده است.

ماده ۵۲۶ مقرر می‌دارد:

«هرکس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلاص در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود».

ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز عنوان داشته که «جاعل با وجود دو شرط قصد مبارزه با نظام و عضویت داشتن در باند به عنوان مفسد به اعدام محکوم و در حالت فقدان این دو شرط به مجازات عنوان شده در قانون تعزیرات

حبس از یک تا ده سال موضوع ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی است که ناظر به اقدام مرتکب بدون انگیزه خاص اقتصادی و سیاسی است.

با این اوصاف تمامی قوانین لازم‌الاجرا پابرجا است اما نکته مهم و دارای ابهام در این قسمت مجازات اعدام یک دسته از این مجرمین می‌باشد که با توجه به تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تعیین ملاک مفسد فی‌الارض، قید واژه محارب در ماده واحده قابل تأمل بوده، مضافاً به این که با وجود مقررات بند پنجم ماده ۵۲۵ و هم چنین ماده ۵۲۶ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی و همین طور از لحاظ تعاریفی که از مفسد فی‌الارض داریم ضرورتی به وجود مصوبات مجمع نبوده و نیاز به بازنگری و چه بسا حذف آن‌ها از ضرورت زیادی برخوردار است.

این در حالی است که قانونی که از سوی قانون‌گذار تدوین و تصویب می‌گردد باید از نظر ترکیب دارای ظاهر با مفهومی مناسب باشد، به نحوی که از ابتدا تا انتهای آن و همچنین ارتباط آن با قوانین مشابه دارای نظم و آنچنان انسجامی باشد که ابتدا و انتهای آن‌ها با هم در تعارض نباشند چرا که قانون برای مطیع ساختن افراد باید منسجم باشد وگرنه با ابهام مواجه شده مقصود قانون‌گذار مشخص نمی‌شود و در مرحله عمل قاضی با سر در گمی مواجه می‌گردد (۱۴).

۵-۹-۷. به روز نبودن مجازات جزای نقدی جرم جعل

مقنن در قانون مجازات اسلامی و هم چنین در قوانین خاص دیگر برای اشکال گوناگون جرم جعل و استفاده از سند مجعول، مجازات‌های چندگانه‌ای را تعیین نموده است که البته چون در قالب اشکال جعل و تزویر، اصل‌های حاکم بر مجازات به خصوص اصل تناسب رعایت نگردیده است، به صورت دقیق مبنای سیاست کیفری قانون‌گذار در این مباحث روشن نیست و روشن نیست به چه علت در پاره‌ای از موارد مقنن علاوه بر مجازات حبس، جزای نقدی را مدنظر قرار داده است و این میزان جزای نقدی بر چه مبنایی است؟ در اصل مبنا و معیار بازده حداقل و حداکثر مجازات‌ها چه مقدار است؟

محکوم می‌شود». ضمناً قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، مجازات مرتکبان را در حالت وجود قصد مقابله با نظام در حد مفسدالارض بودن اعدام و در غیر این حالت پنج تا بیست سال حبس مدنظر قرار گرفته است. چون این قوانین پیش از قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ تصویب گردیده‌اند. برخی با توجه به موخر بودن زمان تصویب قانون مجازات اسلامی معتقد به نسخ قوانین و مصوبات مذکور مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند و بر این عقیده می‌باشند که همه جعل‌کنندگان اوراق بهادار نه فقط جعل‌کنندگان اسکناس داخلی و خارجی تحت شمول قانون تعزیرات قرار می‌گیرند (۲۲).

از سوی دیگر، برخی بر این عقیده هستند که تعارضی وجود ندارد چرا که اگر قصد مبارزه با نظام و اصل براندازی یا عضویت وجود داشته باشد مجازات بر حسب ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و چنانچه قصد اخلاص در وضع پولی و بانکی و اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد و به حد براندازی نرسد مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی است (۱۷).

اما جدا از عقاید حقوقدانان بر نسخ یا عدم نسخ مقرره‌های قانونی عنوان شده در یک ترسیم کلی در باب مجازات جعل اسکناس چهار وضعیت قابل تصور است که در حالت اول وجود انگیزه اخلاص در نظام پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی که بر اساس ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی به حبس ۵ تا ۲۰ سال محکوم می‌گردد. حالت دوم در وضعیت احراز افساد و محارب بودن مرتکب که بر اساس ماده ۲۲ قانون مرقوم و ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان یا توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان آن مشمول مجازات اعدام و مصادره اموال خواهد شد. شق سوم اقدام مرتکب به حالت عمده و کلان با انگیزه سیاسی باشد که مطابق ماده ۲ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی به تحمل حبس ۵ تا ۲۰ سال و ضبط اموال تحصیل شده ناشی از جرم و بالاخره حالت چهارم

واقع عنوان می‌نمایند و برخی دیگر در این میان عقیده دارند که هرچند قانون‌گذار در این ماده از عنوان جعل استفاده نکرده و به عنوان تصدیق‌نامه بر خلاف واقع اکتفا نموده ولی باید قبول کرد که به واقع منظور همان جعل است (۱۸).

اما صرف نظر از اختلافات موجود در حیطه اینکه بزه مربوطه جرم جعل دانسته شود یا مشمول دیگر جرایم؛ آن چیزی که هم اکنون مهم است این است که این جرم از نظر قلب حقیقتی که به صورت مفادی انجام می‌گیرد در زمره‌ی جعل آمده است و ابهامی که امکان دارد وجود داشته باشد این است که چرا با وجود قرار گرفتن آن در حیطه جعل و وجود موارد شدیدتر از آن در این مورد خاص، از مجازات بدنی شدید شلاق استفاده شده است. علاوه بر این حتی اگر عمل، مشمول به گزارش خلاف واقع هم تصور شود، قابل مشاهده است که در جرایم مشابه‌ای مانند ماده ۷۸ قانون مذکور در مورد بند ج ماده ۲ قانون تخلفات جرایم و مجازات‌های مرتبط و اسناد سجلی مصوب ۱۳۷۰ و قوانین متفرقه دیگری مانند ماده‌های ۷ و ۸ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک کشور و ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ ملاحظه می‌شود که این نوع مجازات شلاقی پیش‌بینی نشده است و بهتر بود قانون‌گذار با واقع‌نگری بیشتر و هماهنگی با دیگر موارد قانونی به تعیین مجازات مناسب و متناسب دست میزد.

در مجموعه مباحثی که در این فصل عنوان شد باید گفت که جرم جعل از مهمترین جرایم علیه آسایش عمومی و زمینه‌سازی جهت سایر جرایم مانند کلاهبرداری است.

۶. نتیجه‌گیری

سیاست جنایی تقنینی ایران فرآیند یکسان و یکنواختی ندارد و دچار نوعی بی‌نظمی، انحراف و فقدان انسجام می‌باشد که این بزرگترین و در عین حال مهمترین انتقادی است که می‌توان نسبت به این موضوع در ایران عنوان نمود. البته تغییراتی مانند دگرگونی‌های ارزش‌های قبل، تغییرات در ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی و

به عنوان نمونه قانون‌گذار در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی در جعل انجام گرفته از طرف کارمندان و مسئولین دولتی مجازات حبس از یک تا پنج سال یا پرداخت جزای نقدی ۶ تا ۳۰ میلیون ریال را پیش‌بینی نموده است که مشکل اصلی به واقع عدم توازن در مجازات‌های فوق‌الذکر است چرا که بر اساس ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در عوض هر روز بازداشت موقت یک روز از مقدار حبس و ۳۰۰ هزار ریال جزای نقدی و سه ضربه کیفر شلاق محکوم کم شود. به عبارت دیگری می‌توان از این ماده این نتیجه را گرفت که در نظر قانون‌گذار یک روز حبس معادل با موارد مذکور است. حال اگر در این موضوع کیفر حبس ملاک و مبنای اصلی قرار داده شود، حداکثر مجازات حبس در این ماده ۵ سال یا ۱۸۰۰ روز است و بر حسب روزی ۳۰۰ هزار ریال معادل ۵۴۰ میلیون ریال جزای نقدی می‌گردد. در حالی که کیفر تعیین شده معادل یک هیجدهم یا هفتمین حالت در سایر موارد قانونی که هم مجازات حبس و هم شلاق پیش‌بینی گردیده وجود دارد. به طور مثال در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در باب جعل ارتكابی از طرف اشخاص عادی مجازات حبس از شش ماه تا سه سال یا جزای نقدی سه تا ۱۸ میلیون ریال در نظر گرفته شده است که با توجه به ملاک مذکور حداکثر مجازات جزای نقدی در این ماده با حداکثر مجازات حبس مدنظر قرار گرفته به صورت یک هجدهم می‌باشد. لذا همان‌گونه که مشخص است تعادل و توازن لازم در مجازات وجود ندارد و نیاز به بازنگری وجود دارد تا مجازات جزای نقدی، مجازاتی به روز گردد.

۵-۹-۸. محدودیت مجازات شلاق به موضوع خاصی از

جرم جعل

با توجه به گوناگونی مجازات‌ها در جرم جعل مشاهده می‌گردد که تنها در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی مجازات بدنی شلاق مدنظر قرار گرفته است. هرچند که بعضی از جرایم در این ماده که در رابطه با ماده قبلی خودش است و همچنین ماده ۷۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که شبیه مقرر قانونی مذکور است را در مجموع در ردیف جرم گزارش خلاف

مواردی مانند آن از برخی از نتایج تأثیرگذار بر سیاست جنایی بوده است. از مسائل مهم که منجر به ناکارآمدی‌های زیادی شده است تعارض در قانون‌گذاری است که ابعاد آن شامل تعدد و کثرت مراجع قانون‌گذاری که این تعدد گستردگی و تشتت قوانین را در پی دارد و منجر به ایجاد شدن بحران می‌گردد که نتیجه آن اسباب سوءاستفاده و استفاده ابزاری از قوانین را مهیا می‌سازد و حقوق افراد را دچار خطر می‌سازد که بهتر است چاره‌اندیشی در این موضوع صورت گیرد. از سایر موارد ضعیف بودن تخصص و تخصص‌گرایی است که در حال حاضر تفکرات آرمان‌گرایانه بیشتر حاکم شده است و توجه بیشتر بر حقوق جزای شرعی صورت گرفته است. فردگرایی و اعمال سلیقه‌های شخصی از دیگر موارد است که منجر به ایجاد تعارضاتی در قانون‌گذاری شده است و قوانین موجود در موارد عمده بدون سنجش ضرورت اجتماعی بوده و تنها بر حسب تشخیص و صلاح تعدادی خاص در یک دوره زمانی مشخص تصویب می‌گردد. رویکرد سنتی حاکم در قانون‌گذاری کیفری از دیگر انتقادات وارد بر سیاست جنایی تقنینی ایران است و با وجود گرایش اکثریت کشورها به سمت تحولات و حقوق موضوعه مدرن، شاهد بی‌اطمینانی قانون‌گذاران ایران به درستی تحقیقات و نتایج مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناختی هستیم. به واقع حاکمیت شرع بر حقوق موجب تصویب قوانینی عجولانه و بدون فرهنگ‌سازی قوی و نتیجه‌سنجی لازم گردید. به واقع واضعان سیاست جنایی در مشخص نمودن مجازات‌ها توجه چندانی به تفاوت‌های فردی بین اشخاص و این که کدام یک از مجازات‌ها دارای تأثیرات بهتری خواهد بود، ندارند بلکه عقیده آنان در موارد عمده این گونه است که در برابر هر مدل از رفتارهای مجرمانه با توجه به صلاح باید به یکی عکس‌العمل‌های کیفری روی آورد. این مسأله در حالی است که بنا به نظر حقوقدانان پس از تنظیم هر قانونی، مقنن نباید تنها به نگارش و تصویب قانون توجه داشته باشد و تکلیفی از باب پیامدهای ناشی از آن برای خود قائل نباشد. بلکه لازم است سیاست فردی کردن تقنینی و اصل تناسب مد نظر وی باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود اینکه این جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و در قسمت تعزیرات به عنوان قانون اصلی موارد متعددی را به خود اختصاص داده است اما در سایر قوانین هم به جرم‌انگاری این جرم پرداخته شده است. پراکندگی مواد و عدم رعایت بایسته‌های تقنین سبب شده است که در مجموع این جرم وضعیت مناسبی را از این جهت نداشته باشد. در خصوص سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جعل، سوابق موجود در متون حقوقی، اسلامی و مراجع قضایی و انتظامی از جمله ماده‌های ۵۲۳ تا ۵۵۶، ماده ۶۸۱ - ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده‌های ۶ و ۷ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و هم چنین ماده‌های ۹۵ تا ۱۰۸ نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، ماده ۲۸ قانون کارشناسان رسمی، ماده ۲۴۸ قانون تجارت، ماده ۶ قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۶۷، ماده‌های ۱۰، ۱۳ و ۱۴ قانون جرایم مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که به صورت اجمالی به جعل و مجازات آنها پرداخته شده است و مجازات به نظر حاکم واگذار گردیده است و در این میان در ماده‌های ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت به صورت صریح به مجازات جعل در اسناد رسمی پرداخته شده است و هم چنین مجازات‌هایی نیز به موجب ماده ۱۲ و ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی عنوان گردیده است. در میان موارد مذکور باید گفت معروف‌ترین ماده در خصوص جعل شامل ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات و ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد است. در مجموع ارزیابی سیاست تقنینی موجود در این حیطة نشان می‌دهد که ضابطه‌مندی منسجمی در جرم‌انگاری جرم جعل وجود ندارد و اهداف و ارزش‌های مقنن روشن نیست و علاوه بر این، ابهاماتی در رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم جعل وجود دارد که شامل مواردی مانند امکان ارتکاب جعل معنوی توسط افراد عادی، مغایرت بعضی از مصداق‌های جعل با واقعیات و رسوم جامعه، نبود صراحت در ذکر موضوع جرم، عدم انسجام با دیگر قوانین راجع به جرم جعل می‌باشد. عدم جامعیت موضوع جرم جعل خود موضوعی است که قانون‌گذار باید توجه صد چندانی به آن داشته باشد چرا که سیاست جنایی تقنینی

در این حیطة موارد زیادى از جمله عدم تناسب میان موارد و مصادیق این جرم را در برمی‌گیرد. ضمناً مواردی هم وجود دارد که قانون‌گذار با وجود اهمیت موضوع به جرم‌انگاری برخی رفتارها در این حیطة اشاره ننموده است از جمله این موارد عبارتند از: در اختیار داشتن سند مجعول و اشاره به امکان تحقق جعل با اثر انگشت و همچنین جعل در کپی مصدق و غیرمصدق که از جمله مواردی است که لازم است قانون‌گذار به صورت صریح در این مورد تصمیم‌گیری نماید.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Rajabi M, Shekarchizadeh M. Criminal and non-criminal prevention of crimes and violations of notaries public. *Journal of Law, University of Isfahan*. 2020;7(1):12-29. (Persian).
2. Rajabi M, Masod GH. The role of the electronic registration process in reducing or preventing the occurrence of registration crimes. *Journal of Law, University of Isfahan*. 2020;7(1):47-62. (Persian).
3. Rajabi M. Iran's criminal policy against forgery in notaries. *Legal Journal of Isfahan University*. 2019;6(3):21-49. (Persian).
4. Adabi H. Criminal Liability of Notaries in Iranian and French Law. Tehran: Jangal Publications; 2010. (Persian).
5. Mohseni M. Public Criminal Law Course. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications; 2014. (Persian).
6. Eshghi Shirazi R, Kynia M. The responsibilities of the Registrar in relation to the preparation of official documents and authentication. The first conference of modern research in Iran and the world in management, economics, accounting and humanities; 2017; Tehran. (Persian).
7. Sanei P. Public Criminal Law. Tehran: New Plan Publications; 2003. (Persian).
8. Walidi M. Economic Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2007. (Persian).
9. Koosha J, Dehghani Sanij M. Criminal policy in economic crimes. *Knowledge of Law and Finance*. 2019;1(2):85-101. (Persian).
10. Azmayesh A. Failed Punishment Prison. *Journal of Law and Society*. 2001;21(1):31-53. (Persian).
11. Ardabili M. Treatise on Crimes and Punishments. Tehran: Mizan Publications; 2001. (Persian).
12. Najafi Aberandabadi A. An Introduction to Criminal Policy. Tehran: Mizan Publications; 2017. (Persian).
13. Nourzad M. Economic Crimes in Iranian Criminal Law. Tehran: Jangal Publications; 2010. (Persian).
14. Haji Dehabadi A, Jafari Nodooshan Y. The Most Important Challenges and Requirements of Legislation in the Crime of Forgery. *Journal of Islamic Law*. 2019;16(60):39-69. (Persian).
15. Abbaszadeh Dibavar M. Iran's Legislative Criminal Policy in the Criminalization of Economic Crimes. *Quarterly Journal of Political and International Research*. 2015;10(38):41-82. (Persian).
16. Salari Shahrabaki M. Analysis of the crime of forgery. Tehran: Jangal Publications; 2012. (Persian).
17. Mir Mohammad Sadeghi H. Crimes against the public interest of the country. Tehran: Mizan Publications; 2020. (Persian).
18. Peymani Z. Crimes against Public Security and Comfort. Tehran: Mizan Publications; 2010. (Persian).
19. Soleimanpour M. Forgery of documents in Iranian law and in terms of comparative law. Tehran: University Center Publications; 2014. (Persian).
20. Goldozian I. Crimes against Physical Integrity, Spiritual Personality, Property, Public Security and Comfort. Tehran: University of Tehran Press; 2016. (Persian).
21. Zabihi Bidgoli A. Legislation Requirements in the Field of Family. Tehran: Mizan Publications; 2015. (Persian).
22. Shambayati H. General criminal law. Tehran: Majd Publication; 2019. (Persian).



The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

The crime of forgery in the law of registration of documents and property and evaluation of the approach of Iran's legislative criminal policy towards it

Mohsen Rajabi¹, Gholamhossein Masoud^{2*}, Mohsen Shekarchizadeh³

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 28 April 2021

Accepted: 2 September 2021

Published online: 28 September 2021

Keywords:

Forgery

Registration of Documents and Property

Criminal Policy

Criminalization

Iranian Legal System

ABSTRACT

Background and Aim: Criminalization is one of the tools and mechanisms of criminal policy in any country in dealing with crime and social deviations. In the case of crimes that have many instances in society, such as the crime of forgery, if criminalization is not done based on appropriate, reasonable, logical and sound policies, not only will it not have the desired consequences, but it will cause many social problems.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: Iran's legislative crime policy does not have a uniform process and suffers from a kind of disorder, deviation and lack of coherence, which is the biggest and at the same time the most important criticism that can be made about this issue in Iran.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Overall, the evaluation of the existing legislative policy in this area shows that there is no coherent discipline in the criminalization of forgery and the goals and values of the legislature are not clear. In addition, there are ambiguities in the legislative criminal policy approach to forgery.

* Corresponding Author:

Gholamhossein Masoud

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 85141-43131

Telephone: 31-42292929

Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Rajabi M, Masoud Gh, Shekarchizadeh M. The crime of forgery in the law of registration of documents and property and evaluation of the approach of Iran's legislative criminal policy towards it. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.